

# اتوپیای مردی لیبرال – مذهبی



## «اتوپیای مردی لیبرال – مذهبی»

فاطمه رنجبر

دانشجوی دکتری و مدرس دانشگاه

مقدمه

جنبش‌های دانشجویی جزئی از یک جامعه سیاسی محسوب می‌شوند. سابقاً تاریخی جنبش‌های دانشجویی به سابقاً تأسیس دانشگاه‌ها برمی‌گردد، اما چگونگی شکل‌گیری این جنبش‌ها در مطالعات جامعه‌شناختی و سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، شاید با اندکی مسامحه بتوان گفت که در عصر حاضر، تأثیر جنبش‌های دانشجویی نقشی ماندگارتر و تعیین‌کننده‌تر از سایر جنبش‌های اجتماعی دارد؛ در واقع این نوع حرکت، با ویژگی‌های خاص خودش به‌عنوان مؤثرترین فعالیت‌ها جهت اعتراضات و ایجاد تحولات در زمینه‌های گوناگون در تاریخچه نه‌چندان بلندمدت خود ایفای نقش کرده است. برای مثال در ایران رخداد‌های مربوط به جنبش دانشجویی در 16 آذر سال 1332 و پدیدار شدن گروه‌های چریکی دانشجویی در تاریخ تحولات سیاسی ایران که به‌عنوان نماد جنبش دانشجویی در ایران شناخته می‌شود نشان می‌دهد جنبش دانشجویی نیروی پیش‌تاز و بازیگری قدرتمند و تعیین‌کننده در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است؛ بر این اساس گفتمان مسلط جنبش دانشجویی در سال‌های نخستین انقلاب که در حقیقت محور مطالبات آن «دفاع از انقلاب» و «پاسداری از نظام» و «مقابله با امپریالیسم» بود که متعاقباً منجر به «تسخیر سفارت امریکا» توسط دانشجویان پیرو خط امام گردید و بعدها نیز منجر به تحکیم پایه‌های قدرت راست‌گرایان و همچنین عواقب درازمدت دیگری از جمله ضبط و مصادره اموال ایران در خارج از کشور، وضع تحریمات علیه ایران و طرد ایران از جوامع غربی شد، گویای این مدعا است.

بر این اساس هر نوع پژوهش و ارزیابی از وضعیت جنبش دانشجویی و همچنین رفتارشناسی دانشجویان سازمان‌های دانشجویی می‌تواند در پیش‌بینی موقعیت آیند سیاسی - اجتماعی و تبیین راهکارهای ارتقا بخش در بحران‌های سیاسی و ایجاد تحولات گسترده اجتماعی و جهت‌دهی خواست‌های عمومی جامعه مفید باشد.

## گذری بر تاریخ جنبش دانشجویی در ایران

جنبش دانشجویی به حرکت و کوشش جمعی و البته کمتر سازمان‌یافته دانشجویان در قیاس با احزاب، به‌منظور ایجاد تغییر یا حفظ وضعیتی خاص در جامعه در عرصه‌های گوناگون گفته می‌شود. (کریمیان، ج اول، 1381: 61) این جنبش‌ها معمولاً جزئی از جنبش‌های ایدئولوژیک و روشنفکر هستند که یا به‌صورت جنبش منفی در پی منافع گروهی‌اند و یا جزئی از جنبش‌های سیاسی محسوب می‌شوند. (رهبری 1384: 151) از منظر جامعه‌شناسی سیاسی و همچنین از منظر تاریخی، فهم فرایند چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های دانشجویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه زمین‌ظهور این جریان فکری و نگاهی به سیر تحولات اجتماعی-سیاسی در گذشته نشان می‌دهد که جنبش دانشجویی در کنار سایر جنبش‌های اجتماعی از لحظه تولد، نقش تأثیرگذار، تعیین‌کننده و ماندگاری در عرصه‌های اجتماعی و بین‌المللی داشته است. در واقع وجود روحیه نقادانه و پرسشگرانه این جنبش سبب گردیده تا ساختار سیاسی، همواره حساسیت بالایی نسبت به حرکت‌های این جنبش از خود نشان دهد.

با نگاهی گذرا به جنبش‌هایی دانشجویی در ایران می‌توان گفت این فعالیت‌ها کمی پس از تأسیس دانشگاه تهران از اوایل دهه بیست آغاز شد و با فرازوفرودهایی همواره ادامه داشته است، اما با این حال و حتی در مقاطعی بارزترین نقش را در سرنوشت تاریخی ایران به‌ویژه در دوره پهلوی دوم ایفا کرده است. در واقع در میانه سال‌های 1320 و 1330 سرعت ایجاد تشکلهای دانشجویی و فعالیت آنان به حدی بود که گفته می‌شود در سال 1325 رئیس دانشگاه تهران به سفیر انگلیس می‌گوید که اکثر ۴۰۰۰ نفر دانشجوی این دانشگاه به شدت تحت تأثیر حزب توده قرار گرفته‌اند؛ اما با این وجود با توجه به خصوصیات جنبش‌های دانشجویی در طی سالیان گذشته می‌توان گفت که فعالیت این جنبش‌ها، میان دوره‌های مختلف به‌شدت در نوسان بوده است. با این حال به نظر می‌رسد اوج مبارزات جنبش دانشجویی در عصر پهلوی را می‌توان همزمان با گسترش مراکز آموزش عالی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دانست. در واقع در این سال‌ها به موازات افزایش تعداد دانشگاه‌ها، جنبش دانشجویی نیز نقش مؤثرتری در تغییرات اجتماعی - سیاسی ایفا کرد.

حرکت‌های سیاسی نخستین دانشجویان با توجه به فضای حاکم بر جامعه ایران بیشتر در قالب سه حزب «توده»، «جبهه ملی» و «انجمن اسلامی» بود. این تشکلهای دانشجویی همسو با تحولات جامعه ایران با حضور در اکثر مراکز آموزش عالی به‌خصوص در سالهای آخر عمر حکومت پهلوی، نقشی انکارناپذیر و باورنکردنی در ایجاد دگرگونی‌های بنیادین اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک داشته‌اند. در واقع به‌جرت می‌توان گفت اعتراضات و اعتصابات گسترده دانشجویان در سالهای پایانی دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ تأثیر بسزایی در سرنوشت مبارزات دانشجویی داشت که در نهایت منجر به تغییر رژیم از یک حکومت سلطنتی به جمهوری از نوع اسلامی آن شد. در این راستا ایجاد مراکز، کانون‌ها و کتابخانه‌های اسلامی که نوعی بازگشت به ارزشهای دینی بود بیانگر مطالبات دانشجویان در جریان مبارزات سیاسی بود. پیوند بین حوزه و دانشگاه در طول نهضت اسلامی یکی از مهم‌ترین دلایل تسریع جریان انقلاب بود و در مقاطع مختلف این پیوند نمود پیدا می‌کرد. در مقطعی نیز زمانی که دانشجویان تظاهراتی در اعتراض به مشکلات صنفی و عدم آزادی در کشور به راه‌امی انداختند، روحانیون در حمایت از آنها وارد میدان می‌شدند و با تعطیلی دروس، همراهی و پیوند خود با دانشگاهیان را اعلام می‌کردند. در این رابطه شخصیت‌هایی نظیر شهید مطهری، بهشتی، باهنر، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طالقانی و ... در سازمان‌دهی کنش‌های سیاسی دانشگاهیان بسیار تأثیرگذار بودند و با سخنرانی‌ها، کتاب‌ها، مدیریت اعتراضات سیاسی، ایجاد بینش مذهبی، همراهی با اقشار دانشگاهی در تحصن‌های سیاسی و ... نقش مهمی در هدایت دانشگاه در فرایند انقلاب اسلامی بر عهده داشتند و با فعالیت آنان بود که پیوند حوزه و دانشگاه ریشه‌دار شد و این در شرایطی بود که حکومت سعی داشت دانشگاه را به محیطی فاقد انگیزه‌های مذهبی و اجتماعی تبدیل کند. دانشجویان با تشکیل انجمن‌های اسلامی و ایجاد کتابخانه‌های اسلامی سعی در ترویج هر چه بیشتر اندیشه‌های مذهبی در دانشگاه داشتند و گرایش به اندیشه‌های مذهبی در دانشکده علوم دانشگاه تهران به‌طور چشمگیری افزایش یافت و استفاده از آثار شهید مطهری و دکتر شریعتی به‌عنوان هدایت‌کننده خط فکری دانشجویان موجب تشکیل هسته فکری منسجمی در آن دانشگاه گردید.

### حرکت‌های سیاسی دانشگاهیان در خارج از کشور

کمی قبل از سال 1340 دانشجویان ایرانی علاوه بر دانشگاه‌های داخل، فعالیت‌های خود را در خارج از کشور نیز آغاز کردند و ارتباطی نظام مند با سازمان دانشجویی دانشگاه تهران و شاخه جبهه ملی شکل









«...» (جروم: 36)

جروم درباره قطبزاده و آرمان‌هایش، انقلاب ایران و کارکردهای نظام جمهوری اسلامی که قطبزاده و هم قطارانش برای ایجاد آن از تلاش‌های شبانه‌روزی دریغ نمی‌کنند، از دیگری که آنها را می‌شناختند نیز پرسوجو می‌کرد:

«...» (جروم: 29)

به‌هرحال طبق آنچه تا کنون در اسناد تاریخی نگاشته شده و همچنین بر اساس مصاحبه‌های دوستان و هم قطاران قطبزاده، او شخصیتی بود که برای تحقق اهداف انقلاب که نویددهند یک جامعه آرمانی بود تلاش‌های بی‌شماری انجام داد. به گفت دوستان نزدیکش: «...»

... (مازیار وکیلی به نقل از اردشیر هوشی اردشیر هوشی از اعضای جبهه ملی در آلمان و دوست نزدیک صادق قطبزاده: [www.rouydad24.ir/000mg0](http://www.rouydad24.ir/000mg0))

به نظر می‌رسد با توجه به گفته‌های جروم او هیچ‌گاه به فکر قدرت‌طلبی‌های شخصی نبود و تنها به آرمان‌هایش پایبندی داشت. او در این رابطه ایدئال‌گرا بود و به شایسته‌سالاری اسلامی در جمهوری اسلامی باور داشت، جروم گفت‌وگوی کوتاه خود با قطبزاده را قبل از پیروزی







با توجه به موارد ذکرشده و برخی موارد دیگر، در نهایت صادق قطبزاده به اتهام انحراف از اصول بنیادین انقلاب اسلامی و تدارک یک کودتا علیه انقلاب و برنامه‌ریزی برای ترور امام خمینی (ره) در ۱۷ فروردین ۱۳۶۱ محاکمه و اعدام شد. طبق گفته‌های کرول جروم، با اینکه حتی فرصت فرار برای قطبزاده در روزهای آخر قبل از اعدام شدن مهیا شده بود او به این کارتن درنداد، او خود را مسئول اوضاع پیش‌آمده می‌دانست و می‌گفت که به خاطر این اوضاع شرمند ملت است و حتی هنگامی که احمد آقا، پسر بزرگ آیت‌الله خمینی در زندان به دیدار او رفت و به او گفت پدرش او را خواهد بخشید اگر که او هم گفته‌هایش را پس بگیرد و طلب بخشش کند، اما صادق نپذیرفت. او در زندان به یکی از نگهبانان گفته بود: تمام آنچه می‌خواهم این است که مردم بدانند که مسئولیت هم آنچه کردم را قبول دارم و سر جایم باقی ماندم تا عوضش کنم، همین و بس. (نک: جروم: 231 و 221) در واقع خلاص زندگی قطبزاده را هم می‌توان در جمله‌ای از نامزد او کرول جروم پیدا کرد: «مبارزه در سراسر زندگی برای یک رؤیا و در غلتیدن به یک کابوس.»

درواقع سرگذشت این مبارز انقلابی که از نمایندگان مهم دانشجویان مبارز خط امام بود و به واسطه جنبش‌های دانشجویی موفق به پیشبرد اهداف انقلابی و اسلامی گردید و در این راه نه تنها از هیچ زحمتی فروگذار نکرد بلکه شجاعانه با خطر روبه‌رو شد تا اهداف انقلابی و سیاسی خود و گروه متعلق را برآورد، اما به‌زودی بعد از پیروزی انقلابی خود دچار پشیمانی و عدم ثبات عقیده شده و موضعی کاملاً متضاد یا کمابیش متقابل با عقاید سابق خود و همراهانش در پیش گرفت، هر شنونده و خواننده ای را دچار حیرت و شگفتی می‌کند. شاید این گفته‌ها نا آرنت در مورد قطبزاده‌ها صادق باشد که: «واقعیت اسفبار این است که بخش بزرگ بدی‌ها را کسانی مرتکب می‌شوند که هرگز تصمیم به بد بودن یا خوب بودن نمی‌گیرند... آن‌ها توانایی اندیشیدن ندارند.» (آرنت: 1379)

### سخن پایانی

به گمان بسیاری شاید بتوان گفت که حال و هوای جنبش‌های دانشجویی قبل از انقلاب در ایران تا حدی یک پدیدۀ جهانی بود؛ اما با توجه به اتفاقات و شورش‌های درون‌گروهی، اختلاف‌نظرها، تغییر مواضع مبارزان جنبش‌های دانشجویی، حذف و اعدام‌های متعدد حزبی و گروهی که پس از پیروزی انقلاب به وقوع پیوست تا چه حد می‌توان گفت جنبش دانشجویی ایران یک جنبش اصیل، درون‌زا، بومی و حساب‌شده بوده است؟ به‌زعم

افشین متین عسگری، استاد دپارتمان تاریخ دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و نویسنده کتاب «کنفدراسیون: تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور: 1332 – 57» پاسخ به این سؤال به روشن شدن ابعاد مختلف مسئله مبارزات سیاسی دهه‌های قبل و بعد از انقلاب کمک شایانی خواهد کرد.

## منابع

آرنت، هانا، (1379) اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی، ترجمه: عباس باقری، تهران، نشر نی

افشین، (1378): کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور 57 – 1332، ترجمه: آذری، ارسطو، تهران، شیرازه.

جروم، کرول (1987)، مرد در آینه، ترجمه: پ. ایران‌دوست، pdf.tarikhema.Org

رهبری، مهدی: (1384) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندران

کریمیان، علیرضا: (1381) جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

## مصاحبه‌ها

اردشیر هوشی در گفتگو با فهیمه نظری: تاریخ ایران، 1/11/1397  
قابلدسترسی در (<http://www.ion.ir/news/443143>)

مازیار وکیلی به نقل از اردشیر هوشی، از اعضای جبهه ملی در آلمان و دوست نزدیک صادق قطب‌زاده: قابلدسترس در ([www.rouydad24.ir/000mg0](http://www.rouydad24.ir/000mg0))

## پیشنهاد برای مطالعه

کورزمن، چارلز (1397) انقلاب تصورناپذیر در ایران، ترجمه: محمد ملباشی، تهران، نشر ترجمان

*Jerome.Carole, (1988) Man in the mirror: a true story of revolution,Love and treachery, Paperbacks Limited*

*L.Weiss,Meredith,Aspinall,Edward, (2012), Student Activism in*

[1] – از اعضای جبهه ملی در آلمان و دوست نزدیک صادق قطبزاده

[2] – کودتای نقاب (با سرواژه قیام ایران بزرگ) که بعدها به نام کودتای نوژه معروف شد؛ حرکت نظامی بود که چندی پس از به قدرت رسیدن نظام جمهوری اسلامی در ایران توسط تنی چند از افسران ارتش شاهنشاهی ایران و با تمرکز افسران نیروی هوایی شاهنشاهی برای بازگرداندن شاپور بختیار و حذف سید روح‌الله خمینی و نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی طرح‌ریزی شده بود.